

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه براء (جلسه پنجم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۸/۰۲/۹۸

حکم و علم تفصیلی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

این سوره از موضوع حمدی که در زمین و آسمان جاری است پرده برداری می کند. وجه مشترک دنیا و آخرت جاری بودن حمد در هر دو می باشد. ظاهراً در این سوره حمد، هر جایی که حکم و علم تفصیلی باشد، می آید. به واسطه حکم انسان ها می توانند عمل کنند و بر اساس آن جزا ببینند. همه در مفهوم خیر است. خیر یعنی علم تفصیلی، علمی که بعد از عمل موجود اتفاق می افتد. علمی که منجر می شود، مخلوق قابلیت جزادهی را پیدا کند. اینکه مخلوق هم متوجه شود، به او خبر داده می شود. هر جایی که حکم خدا است با علم تفصیلی همراه است.

به خاطر حکم روزه، عده ای روزه گرفته اند و عده ای نگرفته اند. مواخذه عده ای که بدون عذر روزه نگرفته اند و رحمت ماه خدا را رعایت نکرده اند. علم بعد از حکم که تحقق پیدا می کند به آن خیر گفته می شود. خداوند حکم می دهد و در آن طیفی از عمل ایجاد می شود که بی نهایت ثواب و جزا در آن ایجاد می شود.

کلید ارتباط سوره با سوره حمد، همین «حکیم خیر» است.

رحیم غفور بودن

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

رحیم غفور بودن در جایی است که دایره وسعت بخشی، به واسطه هدایت وجود دارد. ظرفیتی که انسان به واسطه هدایت پیدا می کند. انسان وسیع می شود و شرح صدر پیدا می کند و این را با کلمه رحیم می گویند.

غفور زمانی است که بزرگی اش باید درمقابل خدا خرد شود. در برابر خدا نباید بزرگی کند. انسان نیاز دارد به ذلت عبودیت آراسته شود. انسان وسعت پیدا می کند و بعد از آن متوجه می شود که هیچی نیست و این به رحیم غفور مربوط می شود. از شاخصه های قبولی عمل این است که انسان احساس کند، در برابر عظمت خداوند ناچیز است. اما به جای آن وسعت دارد یعنی مدارای بیشتری با مردم دارد و مهربان تر است و ...

در سوره حمد حکم اینگونه می شود که حکم عبودیت و استعانت را به گردن می گیرد و از کسانی که مغضوب یا ضال هستند، برائت پیدا می کند و خبر می دهد که در این عالم برخی ضال و برخی مغضوب هستند و برخی در صراط مستقیم هستند و حکم هم می شود حکم عبودیت و استعانت. این سوره را با این وصف در کل قرآن می توان خواند، به این صورت که حکم هایی که در کل قرآن آمده است را در می آورید و نتایج آن را هم مشخص می کنید. مثلاً در سوره کوثر خبر می دهد که انسان ها نسبت به کوثر به دو بخش تقسیم شده اند؛ یا اتصال به کوثر دارند یا ابتر هستند و حکم می شود صل و انحر.

حمدها در اینجا جاری می شود که قرار گرفتن سعه وجودی خداوند در همه این لایه هاست. در همه این مراتب خداست.

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

در جلسه قبل گفته شد که باید یکسری مطالب و محورهایی را در زندگی مورد توجه قرار دهیم و این محورها برای ما سبک و نوع زندگی ایجاد می کنند. توجه داشتن یا عدم توجه به این موارد، زندگی انسان را خیلی متفاوت می کند. اولین مورد قضاهای رانده شده در خصوص ابلیس است.

آخرت

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

در حوزه ابلیس نکته مهم این است که ابلیس دست از سر کسی بر نمی دارد و با همه کار دارد! و بلاشک در کار همه ایجاد اختلال می کند. سلطان دارد اما سلطانش را متناسب با ایمان به آخرت قرار داده است. هر کسی ایمان به آخرت را از خود بروز دهد، این سلطان و سلطنت ابلیس کم می شود.

مثال‌هایی زیادی برای این موضوع می‌توان زد. قاعده و محور اول در سبک زندگی این بود که قواعدی در حوزه ابلیس گذاشته شده است و خدا خودش نیز اجازه آن را داده است. سلطنت ابلیس را بر نوع بشر اذن داده است، مگر اینکه فردی ایمان به آخرت را از خود ابراز کند.

آخرت به معنای باطن دنیاست. حقایق ثابت دنیا و آن چیزی است که قوام دنیا به آن است. هر کسی که حقایق ثابت در این عالم را از خود بروز دهد، یعنی خدا هست، مرگ هست. بروز این حقایق مهم است. رخدادی که برای انسان ایجاد می‌شود را بروز دهد. اگر کسی سر شما داد زد، یادتان باشد که مرگ هست! اگر یادتان باشد که مرگ هست دیگر خیلی از واکنش‌های شتابزده را نخواهید داشت و از گناه دور می‌شوید. شک یعنی حواسش جای دیگری است و این حقیقت نزد فرد حاضر نیست و همین فرد را گیرنده ابلیس می‌کند. باید دعا کرد که خداوند بالاخص در حرکت‌های جمعی، ما را ابزار و وسیله ابلیس نکند.

هر جایی برای هر کاری نیاز به حقایق متناسب دارد. درس می‌خواهد بخواند، زندگی می‌خواهد بکند، روابط می‌خواهد داشته باشد.

آخرت حقایق ثابت باطن عالم می‌شود که در هر کاری و شأنی می‌تواند متفاوت باشد. مثل اینکه هر کسی خوبی کند به خودش کرده است. همه گزاره‌های بدیهی باطن عالم هستند.

به بهانه ماه مبارک رمضان و لیالی قدر که این ایام، ایام ارتباط انسان با امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) و ارزیابی و برنامه‌ریزی است، هر کسی با این محور وضعیت خود را بسنجد و ببیند که چقدر آخرت در او بروز دارد. اگر دید پنج درصد است، به ده درصد برساند. اگر انسان در مسیر پیشرفتی داشته باشد، ناراحتی ندارد. باید محاسبه کرد که چند درصد کنش و واکنش‌هایش بر مبنای حقیقت در حال رقم خوردن است. برای برخی صد در صد است که به آنها مخلص گفته می‌شود.

هر چیزی که قانون ثابت شود، حضورش در صحنه‌های زندگی مهم است یعنی باید در رفتارهایش این قانون ظاهر شود.

اولین مؤلفه زندگی‌ساز توجه به قضا‌های رانده شده است.

اصلاح دعا و طلب

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

دومین مطلب اصلاح دعا و طلب است، باید از خدا بخواهد. برای این موضوع مثال بزنید. آن را توصیف نکنید بلکه مطلب را عینی کنید.

افرادی فکر کردند حاکمیت دارند یا در ملک الهی شریک هستند و یا فکر کردند که می‌توانند پشتیبانی و حمایت کنند. جایی که انسان باید کاری را انجام دهد که حکم خداست و به دلایلی آن را انجام ندهد می‌شود، این می‌شود خواندن غیر خدا. ارثی به ما رسیده است و آن را از ما گرفته‌اند، مرجع به شما می‌گوید باید خویشتن داری کنی و از خیر آن ارث بگذری. تن ندادن به حکم خدا، یکی از شاخصه‌های دعوت غیر خداست. این احکام سطح دارند. یا احکام ظاهر و بارز هستند یا احکام خفی و باطنی‌تر. مثل اینکه ما نباید نسبت به کسی سوء ظن داشته باشیم و نباید بر اساس حدس و گمان حرف بزنیم. اگر کسی احکام را نشناسد، این هم جزیی از خواندن غیر خداست. از مهم‌ترین مؤلفه‌های آیه ۲۲، شناخت احکام بارز و درونی الهی است.

ارزیابی این موضوع راحت است. در یک بیست و چهار ساعت، فعل و انفعالات متفاوتی داریم. یا همه آن بر اساس حکم خداست یا برخی از آنها بر اساس حکم خداست.

شفاعت و وسائط

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

شفاعت و وسائط در عالم به اسم ملائکه شناخته می‌شوند. همه وساطت‌های عالم به اسم ملائکه باز می‌گردد. هر کسی هر کاری می‌کند، ملائکه هستند. ساختار ملائکه در این آیه مشخص می‌شود. وقتی برای کاری اذن پیدا می‌کنند، دو حالت دارند؛ یک حالت آرامش دارند و یک حالت فزع. این اولین آیه است که به نحوی در مورد وساطت ملائکه می‌گوید. ملائکه‌ای که حکم را می‌رسانند، از حکم خالی می‌شوند و بعد پر می‌شوند. آنچه رد و بدل می‌شود، حق است.

مؤلفه سوم می شود در نظر گرفتن وسائط. وسائط، توجه به شفاعت را برای ما به همراه خواهد داشت، توجه به شفاعت و شفیعیان بالادست. خرید خانه ده راه دارد و شما راه کم هزینه تر را انتخاب می کنید. انسان در انتخاب شفیعی دستش باز است.

در این آیه، اذن شفاعت اثبات می شود. پشت شفاعت ملائکه هستند که حق را جاری می کنند. هیچ کاری در این عالم بدون شفاعت انجام نمی شود.

برای استفاده از این آیه در زندگی چه می کنید؟ می توان استفاده از شفیعی که قرب بیشتری دارد، در کارها انتخاب کرد و باید توجه داشت که اذن داده شده است. نقش شفیعی اعتنا به عالم سبب است. اعتنا به مختصات مخلوقات در عالم. باید برای ماه و آب و ... نیز ارزش قائل شد چون مخلوق خدا هستند. چه بسا قدر خدا را کسی بیشتر بداند که بیشتر قدر شفاعت را می داند. توجه به شفاعت، نردبان توجه به توحید است. هر چه انسان بتواند به شفاعت بیشتر توجه کند، زودتر به توحید می رسد. به همین دلیل است که می گویند اهل بیت (علیهم السلام) واسطه توحید هستند. انسان ها از این معبر به خداشناسی می رسند.

دعای جوشن را پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) فرموده اند و شما به وساطت و شفاعت ایشان، خدا را می خوانید. دعای ابوحمزه را امام سجاد (علیه السلام) فرمودند و شما به وساطت ایشان، خدا را اینگونه می خوانید. شفاعت از سطح پایین شروع می شود و هر کاری که انجام می دهیم با شفاعتی اتفاق می افتد.

توصیه ای برای ماه مبارک رمضان و استفاده از شفاعت

علما توصیه کرده اند به خواندن نماز جعفر طیار در جمعه های ماه مبارک و مقام وساطت و شفاعتی نیز به آن داده اند. هر کسی خانه و همسر و بچه و ... از خدا می خواهد، جمعه را فراموش نکنند. کسی خجالت نکشد برای خانه خریدن نماز بخواند. این ها شفاعت هستند. در روایات می فرمایند این مجرب است، یعنی از هر ده نفری که انجام داده اند، مثلاً هفت نفر به نتیجه رسیده اند.

برای سالم بودن، بانشاط بودن و پولدار بودن و ..، باید دعا داشت و یکی از راه های زندگی خوب استفاده از شفاعتی است که خداوند در عالم قرار داده است. این شفاعت برخی تخصصی و برخی هم عمومی هستند مثل پزشک ها.

سازوکار شفاعت

سازوکار شفاعت، غیبی است. جنس مشاهده شفاعت، عقلی است. حتی زمانی که شما غذا میل می‌کنید و سیر می‌شوید، جنس وساطتش غیبی است و جسمی نیست. اگر سازوکار بدن به هم بریزد، بهترین غذاها هم کاری از دستشان بر نمی‌آید به این دلیل که در پس هر شفاعتی، ملائکه هستند. هم‌زیستی با ملائکه را خیلی خوب می‌توان احساس کرد. حرف که می‌زنید با ملائکه است، وقتی می‌بیند با وساطت ملائکه می‌بیند و در همه کارهاتان ملائکه با شما همراه هستند اما ملائکه دیدن و خوردن و شنیدن، با یکدیگر متفاوت هستند و این به انسان حس جالبی می‌دهد که در عالم پاکی‌ها جاری است. گاهی انسان از محیط زندگی خود ناراحت است، که مثلاً از بس که گناه دیده‌ام؛ حالم بد شده اما راهش این است که ملائکه پشت هر کار را ببیند. دیدن این ملائکه به انسان احساس آرامش و نشاط می‌دهد. شما در بوستانی از ملائکه هستید. ملائکه پر هستند و وفور دارند.

ارتباط با ملائکه

از کارکردهای آیه ۲۳، تقویت رویت در مشاهده ملائکه است که در وساطت هر عملی که از انسان سر می‌زند هستند که حال یا به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد. اگر کاری نمی‌شود، اذن نشدن دارد و این خیلی جالب است. ما حس می‌کنیم کاری که می‌شود با اذن بوده است و کاری که نشده، چون اذن نداشته نشده است! در صورتیکه کار انجام نشده نیز، اذن نشدن دارد.

یکی از کارهایی که باید انجام دهیم این است که باید به طریقی با ملائکه‌ای که با امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) در ارتباط هستند، رابطه بگیریم.

همه ملائکه، تنزل ملائکه و روح هستند و همه به نوعی به حضرت مراجعه می‌کنند اما برخی ملائکه مثل ملائکه روزی‌رسان یا ملائکه‌ای که هدایت می‌کنند به قرب ایشان نزدیک‌تر هستند. دور و نزدیک دارند اما همه متصل هستند.

هر چیزی که شاکله و شخصیت پیدا کند، در این عالم قابلیت شفاعت پیدا می‌کند. هر چیزی و هر شخصیتی قابلیت شفاعت پیدا می‌کند. مثل چاقو که قابلیت دارد که ممکن است در دو جهت استفاده شود.

توصیه برای یافتن وساطت امر هر سوره

توصیه دوم این است که یک بار قرآن را با این رویکرد بخوانید که ببینید هر سوره‌ای، واسطه چه امری در زندگی است و هر سوره‌ای می‌خواهد چه چیزی را در زندگی ما جاری کند. اگر می‌خواهید بر اساس روایات این کار را انجام دهید، در جلد دوم کتاب رشد این روایات متناسب با سوره‌ها آمده است. خانم‌های باردار، دو دور سوره‌ها را به صورت القایی بخواند. هر کسی ۱۱۴ سوره را بخواند و ببیند هر سوره چه کارایی برای او دارد. مثلاً من برای پیروزی و فتح به سوره روم متوسل می‌شوم. ما دلیلی نداریم که بخواهیم از این وساطت‌ها استفاده نکنیم! باید سطح دیگری از شفیع را در زندگی به خدمت بگیریم و این منجر به نورانی شدن ما و همچنین افزایش کارایی ما در زندگی خواهد شد.

اینکه مثلاً می‌گویند سوره تین را به غذا بخوانید که اگر سمّ هم در آن باشد، اثر نمی‌کند، خواندنش چه اشکالی دارد؟! اینکه بخوانید بهتر است از اینکه گرفتار انواع بیماری‌ها بشوید و تازه بخواهید برای بهبود، متوسل شوید.

ایجاد سبک زندگی با استفاده از شفاء

و این موضوع ایجاد سبک زندگی می‌کند. مثلاً اگر بین الطوعین نخواستید، روزی‌ات وسیع می‌شود و این از اسباب است. استفاده کردن از شفاء، سبک زندگی را تغییر می‌دهد.

اسباب را نباید فقط در اسباب ظاهری دید. القای مادر در هدایت فرزند، یک سبب است. وقتی آن را سبب نمی‌دانیم، از آن استفاده نخواهیم کرد. القای یک مطلب به دیگران یک سبب است و می‌توان از آن استفاده کرد. رجوع به روایات در شناخت اسباب کمک‌کننده است. روایاتی که بین کارها و نتایج ارتباط برقرار می‌کنند.

رزق

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

هم آسمان و هم زمین اقتضای رزق را فراهم می‌کنند اما خدا می‌دهد. ما یا شما مشرکین، یا بر هدایت هستیم یا در ضلال مبین. هدایت و ضلالت جمع شدنی نیستند. یا ما بر هدایت هستیم یا شما.

این هدایت و ضلالت به رزق باز می‌گردد. کارکرد رزق، اساساً حیات است. رزق عامل حیات است و عامل حیات حتماً هدایت می‌آورد. اگر ثابت شد کسی در مسیر ضلالت است، یعنی رزقش کم است.

کسی از نداشتن مال دنیا ناراحت نباشد. دغدغه رزق داشتن یعنی نماز خوب خواندن، وضوی با نشاط گرفتن، با خدا حرف زدن و ... باید از گناه ناراحت شود. خدا رزاق است و باید فقط از او طلب رزق داشت.

اگر کسی در زندگی بلا تکلیف است و نمی‌داند چه کند، این در او تبدیل به صفت می‌شود و دائماً از حالی به حالی هستند و از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌روند، قابلیت ارزیابی ندارند و این همان، ضلّ و گم‌شدگی است و این نشان می‌دهد که رزق‌شان کم است.

خواندن سوره مبارکه شمس، طبق این منطق روزی را زیاد می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا (۱) وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا (۲) وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳) وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا (۵) وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّاهَا (۶) وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰) كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱) إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴) وَ لَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

یعنی انسان کاری کند که به رزق دائمی الهام متصل شود.

تسویه نفس و آمدن الهامات الهی، می‌تواند رزق را زیاد کند. بحث‌های عقلی، مباحثه‌ها و خواندن‌ها سر جای خود اما تسویه نفس هم در جای خود. شناخت فجور و تقوا، می‌تواند رزق را زیاد کند.

زیارت عاشورا نیز در افزایش رزق می‌تواند اثر گذار باشد. به ویژه در بیان لعن‌ها که فرد را از مسیر سلب به سمت ایجاب می‌برد.

آیه ۲۳ و ۲۴ به هم متصل می‌شوند و مشخص است که برخی از شفاعت‌ها، رنگ رزق به خود می‌گیرند.

کارکرد «ایاکم» در آیه این است که اگر بر هدایتی، باید رزقت زیاد باشد. اما اگر در امور زندگی سردرگمی، یعنی رزقت کم است. هر چیزی دلیلش بر وقوع آن است. رزق‌داری همراه با بلا تکلیف نبودن و شناخت مسیر است.

قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

این آیه چه مؤلفه‌ای را در سبک زندگی ایجاد می‌کند؟ انسان در جامعه زندگی می‌کند و خیلی وقت‌ها منفعت جامعه را نمی‌بیند و از برداشت اشتباه، ضرر می‌کند. یکی از اشتباهاتی که در جامعه مرتکب می‌شود، هم سطح دیدن افراد در آن جامعه است. از اصالت نفس است که جامعه اصالت پیدا می‌کند. جامعه بالعرض اصالت دارد.

هر کسی در بدترین شرایط زندگی هم که باشد، باید در پیشگاه خدا پاسخگو باشد. هدایت و ضلالت با هم قابل جمع نیست. جرم با غیر جرم، قابل جمع نیست.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات